

باید به یاری زندانیان سیاسی شتافت

ساخته است، با غروری سرشار، دلارانه در مقابل دشمن ایستاده اند.

در برابر حماسه آفرینی اسیران گرانمایه مردم ایران که جلوه بارز و پرشکوهی از روحیه رزمجویانه و خروش طوفانزا و پرخاشگرانه خلق در فضای شکنجه بار و تب آلود کشتارگاههای آزادیست، رژیم همچنان مهر سکوت توطئه آمیزی بر لب زده و امیدوار است، با افزایش شکنجهها، فشارها و محدودیت های غیر انسانی به اعتصاب پایان بخشد. زندانبانان طی بیورهای گوناگون بقیه در ص ۲

اعتصاب غذای دامنه دار زندانیان سیاسی در پشت دیوارهای بلند سیاهچالهای دوزخی خمینی، که در روز ۲۰ تیر ماه آغاز گردید، همچنان ادامه دارد. بهترین و پاکترین فرزندان ایران زمین در مرز باریک مرگ و زندگی قهرمانانه و با اراده ای پولادین پایداری می کنند و در جدال با مرگ، بانگ حق طلبی خویش را سینه به سینه و کران تا کران تا فراسوی مرزهای کشور پرواز می دهند. فرزندان خلق در حالی که اعتصاب غذای طولانی و آزار و شکنجه های فرساینده زندانبانان، از آنها اسکلت های متحرکی با چشمان کم فروغ و تبار



شماره ۱۶۷ دوره هشتم
سال چهارم - سه شنبه ۱۳۶۶/۵/۲۰
بها ۲۰ ریال

شرکت نماینده حزب توده ایران

در کنگره کمونیست های مراکش :

توده ای، توده ای، ما پشتیبان توایم!
در روزهای ۲۱-۱۷ ژوئیه ۱۹۸۷ چهارمین کنگره "حزب پیشرفت و سوسیالیسم" مراکش در کازابلانکا تشکیل شد. در این کنگره ۱۳۲۹ نماینده کمونیست های مراکش و ۲۲ هیئت نمایندگی احزاب برادر شرکت داشتند. از جمله میهمانان خارجی نماینده "کمیته مرکزی حزب توده ایران" بود.
علی یاتا، دبیر کل کمیته مرکزی حزب، در گزارش خود به کنگره "نگهداشت صلح جهانی و بقیه در ص ۷

تسلیت به سیل زدگان

هفته گذشته در شهرهایی از کشورمان از جمله تهران، نیشابور و خوانسار سیل هائی ویران ساز و کشتارگر جاری شد. برپایه واپسین خبرهای منتشر شده، سیل در گذر پر شتاب خود علاوه بر خسارات مادی فراوان، تلفات جانی سنگینی نیز برای مردم میهنمان به بار آورد. بیش از ۴۰ تن کشته، ۴۵۰ تن مجروح و ۲۵ تن مفقود الاثر.
حزب ما همدردی ژرف خود را با هموطنان داغ دیده و سیلزده ابراز می دارد.

رویداد خونین مکه

رویداد خونین اخیر در مکه، که چندان هم غیر قابل پیش بینی نبود، شرایط بحرانی منطقه را تشدید و زمینه گسترش درگیریها و دخالت مستقیم امپریالیسم در امور خاورمیانه و کشورهای خلیج فارس و تقویت مواضع اسرائیل و ارتجاع منطقه را افزون تر ساخته است.
این رویداد که زمینه های آن از پیش فراهم شده بود، در میپوندی تنگاتنگ با سیاست ماجراجویانه "صدور انقلاب" رژیم ج.ا.ا. است. پیام تحریک آمیز خمینی "در آستانه برگزاری کنگره جهانی حج" این واقعیت را روشن تر می سازد.

لب کلام خمینی، که رویای ایجاد امپراطور جهانی "اسلام" را در سر می پروراند، این است: "اسلام مواضع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری بر طرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد." "اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما، بایستند، مادر مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست. یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم."

او هدف از شرکت زائران ایرانی در مراسم حج و یا بقول خودش "کنگره جهانی حج" را "سازمان دهی چنود خدا در برابر چنود اهل بیس و بی صفتان" و "از اصول اولیه توحید" پرمی شمارد و از همه "مسلمانان" می طلبد تا شعار "نه شرقی، نه غربی" ج.ا.ا. را بعنوان "شعار اصلی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین" و "تنها مکتب نجات بخش بشریت" بپذیرد. لقب بی مسای "رهبر مستضعفان جهان" او را چنان دچار توهم ساخته که امر بر خود او هم مشتبه شده است و پمناپه "رهبری" برای کشورهای اسلامی ارائه تکلیف می کند.
پدیده ای است که چنین موضع گیریهای زمینه ساز بقیه در ص ۲

آیا خمینی می تواند آب رفته را به جوی بازگرداند؟

قوانین اساسی و بنیادی ... نیاز به دخالت و کمک صریح جنابعالی داریم" (کیهان ۱۳ خرداد ۶۶).
در آن روزها خمینی این خواست را بی پاسخ گذارد. اکنون رفسنجانی در مصاحبه سه ساعته با خبرنگاران "اطلاعات" بار دیگر به عجز کامل مجلس در تصویب قوانین اعتراف می کند و می گوید: "به نظر من، راه حل فعلاً این است که کسی که مثل امام است، شخصیتی که آسیب ناپذیر است و نمی شود متهم کرد که نمی فهمند فقه را و نمی شود متهم کرد که التقاطی فکر می کند و نمی شود متهم کرد که ندیده می گیرد مبانی اصول را، لازم است که در این مسائل حضور جدی داشته باشند و با مشکلات که برخورد بکنند زود حل می شود" (اطلاعات، ۱ مرداد ۶۶).
بقیه در ص ۲

"صدای جمهوری" اسلامی طی چند روز متوالی پیام بلند بالای خمینی در آستانه "برگزاری کنگره حج جهانی" را پیش کرد. بلافاصله پس از پخش پیام، دولت تشکیل جلسه داد و به وزارتخانه ها ابلاغ کرد که برنامه های خود را بر اساس این پیام تنظیم کنند. موسوی، نخست وزیر رژیم، پیام را "تاریخی" نامید و برخی دیگر از دست اندرکاران آن را "منشور جدید" جمهوری اسلامی نام گذاردند.

اما، واقعیت چیست؟ ما بر آنیم که این "منشور جدید" بازتاب بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و نظامی دامنگیر نظام استبداد مذهبی قرون وسطائی است. فقر و بیکاری و گران بودن تورم و نیز ادامه جنگ ویرانگر، تضادهای اجتماعی را تشدید می کند. روند رویگردانی توده ها از رژیم ادامه دارد. اختلاف های رو به گسترش میان جناح های گوناگون، عملاً قوای اجرائی، قانونگذاری و قضائی را فلج کرده و در نتیجه رژیم خمینی هر چه بیشتر در جامعه منفرد می شود. این بحران شدید و حاد، سردمداران رژیم را نگران ساخته است. در اوایل خرداد ماه، رفسنجانی بهنگام ملاقات با خمینی این نگرانی را آشکارا بیان کرد و گفت که در قانونگذاری و "تدوین

در صفحات بعد

"دادسرای ویژه روحانیت" ص ۶
با صدور کشتک وهسته آلبالو جقدر ارز نامین می شود؟ ص ۶
۲۵ سال در بند ص ۸

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

باید به یاری زندانیان سیاسی ...

بگونه‌ای وحشیانه زندانیان را هدف ضرب و شتم قرار داده، عده‌ای را مجروح و عده‌ای را به سلولهای انفرادی منتقل کرده‌اند. ملاقات خانواده‌ها با عزیزان دربندشان قطع گردیده است. از تجمع خانواده‌های زندانیان و مراجعه آنها به مراجع بین‌المللی که جای خود دارد، حتی به نهادها و مسئولان کشوری و قضائی نیز شدت جلوگیری بعمل می‌آید و تکاپوی آنها با دستگیری و تهدید و آزار پاسخ داده می‌شود.

در این شرایط وجدانهای بیدار باید ندای دردمندان و یاری خواهانه خانواده‌های زندانیان سیاسی را بشنوند و پاسخ گویند:

... نگذارید شع وجود عزیزان دل‌بند و دربندمان در زیر نگاه سنگین و بی‌عاطفه زندانبانان خمینی قطره قطره آب شود و رو به خاموشی رود. فرزندان ما در حال حاضر چیزی جز رعایت حداقل حقوق انسانی، زیستی و قضائی یک زندانی سیاسی را طلب نمی‌کنند.

آری باید خواست بر حق زندانیان سیاسی را آواز کرد. آنها می‌خواهند در دوران بازجویی و زندان، هر لحظه و به هر دستاویزی آماج توهین و تحقیر و شکنجه و شلاق زندانبانان و بازجویان جانورخو قرار نگیرند، کیفیت بسیار نازل غذای نامطبوع زندان بهبود یابد، ملاقات با خانواده‌ها در شرایط انسانی انجام گیرد، از تراکم زندانیان در بندها و سلولها کاسته شود، به وضع اسفناک و فاجعه‌بار بهداشت و درمان رسیدگی شود، وضعیت زندانیان بلا تکلیف که گروهی از آنان سالهاست در قربانگاههای رژیم در غل و زنجیر بسر می‌برند، روش شود، زندانی بجای شرکت در دادگاههای غیر قانونی چند دقیقه‌ای و در بسته بتواند در دادگاههای علنی با برخورداری آزادانه از حق دفاع و انتخاب وکیل مدافع شرکت کند، زندانیان بایبند به آرمانهای انسانی خود برای شرکت در "شو"های تلویزیونی و با قلم زنی بمنظور مسخ شخصیت و هویت انسانی، سیاسی و سازمانی و نفی بدیهی‌ترین اصول اعتقادی‌شان تحت شکنجه‌های گوناگون جسمی و روانی فرار نگیرند.

ولی پاسخ حکام مرتجع و جنایت پیشه جمهوری اسلامی و جلادان کمر بسته به خدمت آنان به این حداقل خواسته‌های بر حق و طبیعی تاکنون جز شلاق و شکنجه و مرگ نبوده است.

مبارزان انقلابی، آزادخواهان! بیا بید بانگ پیکارجویی، بانگ آزادیخواهی و دادگستری و بانگ مردم دوستی نجیبانه زندانیان سیاسی میهنمان باشیم! در شرایطی که در جامعه شرایط عینی یک دگرگونی انقلابی فراهم گردیده و رژیم مرگ خویش را در شکل‌گیری عامل ذهنی و در این پیوند بطور بالقوه در وجود سرایشور انقلابی عاشقان دربند خلق می‌بیند، نباید گذارد کوچکترین آسیب و چشم‌زخمی به زندانیان سیاسی برسد. بویژه باید توجه داشت که یورشهای پاسداران و شکنجه‌گران بی‌روح و قلب به بندها و در زیر چکمه و باتوم و شلاق افکندن زندانبانی که از گروستکی درازمدت و طبیعتاً از بی‌رمقی و ضعف مغز مرگ آور رنج می‌برند، نشانگر

آنست که رژیم برای به زانو در آوردن اسیران خلق از هیچ تبهکاری ننگ‌آوری فرو گذار نمی‌کند.

باید برای دفاع جانانه از زندانیان سیاسی، یعنی پاره‌هایی از وجود و روح زنده و فناپذیر خلقهای ایران، بی‌پاسخست. دفاع از زندانیان سیاسی، دفاع از آزادی سیاسی، دفاع از عدالت اجتماعی و صلح و در یک کلام دفاع از والاترین و مقدس‌ترین آرمانهای بشری است.

نباید گذارد گلهای سرخ سرسبد باغ خلق پرپر شوند. باید به یاری یکدیگر توطئه دژخیمان خونریز را بی اثر ساخت. باید به یاری فرزندان قهرمان خلق و انقلاب شتافت. باید با عزم پویا و پر-تپش به اشکال گوناگون به افشاکاری پرداخت و صدای اسیران خلق را به گوش توده‌ها رساند و همه جا آواز کرد و از تبهکاریهایی که در پشت دیوارهای بلند و میله‌های زندان می‌گذرد، پرده برداشت. باید موج ممدردی و پشتیبانی از زندانیان سیاسی را از هر سو برانگیخت و همبستگی فعال احزاب، سازمانها، نیروها، مجامع و شخصیت‌های صلح‌خواه و انساندوست را در سطح ملی و بین‌المللی جلب کرد.

هم میهنان، آزاد اندیشان، پیکارگران توده‌ای!

رشته باریک زندگی پویندگان راه رهایی خلق در زندانهای جمهوری اسلامی بطور جدی در خطر است. وظیفه انسانی، ملی و انقلابی حکم می‌کند، که بیدرتنگ و پرشتاب برای یاری رساندن به رزمجویان حماسه آفرین سنگر خلق کارزار دفاع از زندانیان سیاسی را هر چه بیشتر گسترش داد. باید تمام توش و توان خود را برای افشاکاری بر ضد رژیم بکار گیریم. در شهرها و روستاها، در کارخانه‌ها و مزارع، در هر کوی و برزن و خیابان، در هر محیط کار و زندگی و محفل و مجلس باید خروش اعتراض علیه زندانبانان و پشتیبانی از اسیران خلق را سرتاسر ساخت. باید با بسیج همه امکانات موجود و با بهره‌گیری از ابتکارات گوناگون، از جمله پخش تراکت و شننامه یا پست کردن نامه‌های دست‌نویس یا تایپی، پیرامون خواسته‌های بر حق و وضع خطرناک و اضطراب‌انگیز اعتصابگران باطنینی توانا به آواگری پرداخت. آگاهی هر چه وسیع‌تر توده‌ها از سرنوشته فرزندان خود و افشاکاری هر چه پدرا منتر می‌تواند چنان نیروی مادی را بوجود آورد، که دژخیمان را به عقب نشینی وادار سازد و سلامت و زندگی پر ارزش زندانیان سیاسی را تضمین کند.

در کارزار پشتیبانی از زندانیان سیاسی هر دست تلاشگر و هر بانگ رسامی تواند نقشی بایسته خویش داشته باشد. نباید حتی یک لحظه فراموش کرد، که گره خوردگی دستها و در آمیختگی بانگ‌ها در سطح جامعه می‌تواند آنچنان توفانی برآید، که کمترین دستاورد آن واپس راندن رژیم از موضع کنونی و نجات جان زندانیان سیاسی باشد.

بیا بیاید، با تلاش متحد و سازمان‌یافته گل‌لیخند پیروزی بر لبان عزیزان در بند خلق بپوشانیم!

بیا بیاید، دست خونریز رژیم ضد مردمی را از جان و زندگی و سلامت زندانیان سیاسی کوتاه سازیم!

رویداد خونین ...

تشنج می‌شود حتی خشم دولتهائی را که ج.ا. نزدیکترین پیشتری با آنها احساس می‌کند را برمی‌انگیزد.

پیام خمینی در جریان مراسم حج، از سوئی عوامل رژیم را به ماجراجویی وادار ساخت و از دیگر سو حاکمیت ارتجاعی عربستان سعودی را، شاید با اشاره اربابان امپریالیستی اش، به واکنش خونین پرانگیخت.

نتیجه این که امروزه اغلب کشورهای مسلمان نشین برای خاموش ساختن این صدای تشنج‌زا، بجای آن که در برابر اسرائیل، این زائده امپریالیسم در منطقه، صف متحدی تشکیل بدهند، در برابر ج.ا. بظاهر "ضدامپریالیست" و "ضدمسیونیت" ایستاده‌اند. این موضع پویژه پس از واکنش ج.ا. و شخص خمینی در برابر حادثه کشتار در مکه محکم شده و محکم‌تر نیز خواهد شد.

وقتی که خمینی می‌گوید: "آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت ندارد" و رفسنجانی نماینده او در " شورای عالی دفاع" ج.ا. غیرمسئولانه لب به سخن می‌گشاید که به انتقام خون شهدا باید "ریشه حکام سعودی از منطقه پاک شود" و یا "حرمین شریفین و بقیع مقدس از لوٹ وجود و هاپیهای شرور و خبیث پاک شود و ثروت‌های عظیم دنیای اسلام و مبارزه با کفر و استکبار جهانی مطرح شود"، چگونه می‌توان انتظار داشت که عربستان سعودی و متحدانش واکنش نشان ندهند و یا از ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی طلب نکنند که به کمکشان بیاید. بویژه آن که تهدیدهای خمینی و دیگر سران مرتجع ج.ا. از حالت شعار خارج شده و شکل عملی بخود گرفته است. اشغال سفارتخانه‌های کویت و عربستان سعودی را در این چارچوب باید ارزیابی کرد.

تردید نیست که از حوادث اخیر بهره‌برداریهای گوناگونی خواهد شد. در عرصه جهانی، کشورهای امپریالیستی برای رسیدن به هدف‌هایی که قبلاً به تفصیل به آنها پرداخته‌ایم سود خواهند جست و پدرا منته فشار بر خلقهای منطقه خواهند افزود. در عرصه مسائل داخلی کشور نیز خمینی و یارانش خواهند کوشید که چوسازی کرده و به منحرف ساختن افکار عمومی از مسائل اصلی بپردازند.

ما برآنیم که حادثه خونین مکه مقدمه‌ای بر رویدادهای دیگری است که می‌تواند منطقه ما را به پر آشوبترین مناطق جهان در دهه اخیر تبدیل سازد.

برای آزادی

زندانیان سیاسی

مبارزه خود را تشدید کنیم

آیا خمینی می‌تواند...

این اظهار نظر رفسنجانی ژرفای اختلاف میان جناحهای مختلف رابه عیان نشان می‌دهد و در چنین شرایطی است که پیام خمینی منتشر می‌شود. او، در پیام خود خطاب به مسئولین می‌گوید: "... در یک کلام مصلحت پابرنه‌ها و کوخ نشینها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و منکنین و مرفهین... باید مقدم باشد... باید سعی شود تا از راه رسیده‌ها و دین به دنیا فروشان چهره کفرزدائی و فقرستیزی روش انقلاب مارا خدشدار نکنند..."

خمینی بی‌جهت نغمه رنگ باخته "حمایت" از پابرنگان و کوخ نشینها را سرمی‌دهد. مردم ایران یکبار او و یارانش را آزموده‌اند و واقعیت این است که بر خلاف ادعای رفسنجانی، حنای خمینی هم دیگر رنگی ندارد. مگر خمینی و دار و دسته‌اش در سالهای نخست پس از انقلاب شعار ضرورت دفاع از پابرنه‌ها و کوخ نشینها را مطرح نمی‌کردند؟ گذشت زمان دورویی خمینی و یارانش رابه توده‌های زحمتکش نشان داد. آیا، "دین به دنیا فروشان" مورد نظر خمینی، غیر از همان "بازاریان محترم" هستند که خمینی شخصاً سرنوشت میلیونها "پابرنه و کوخ نشینان" را بدست آنان سپرد؟ شعار سپردن کار مردم به مردم یعنی به مشت زلوه‌های اجتماعی را چه کسی جز خمینی مطرح کرد؟

موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور، می‌گوید: "این مملکت شبیه مخروطی است که قاعده‌اش به تان و پتیر محتاج است و در رأس آن اغنیاء قرار دارند که اگر گوشت کیلویی یک میلیون تومان باشد تهیه می‌کنند و می‌خورند (اطلاعات، ۱۶ تیر ۶۶)." محمد رشیدیان طی سخنرانی در مجلس شورای

اسلامی برده را بیشتر بالا می‌زند و می‌گوید: "یکی از آن مسائل مهمی که امروز گرفتار آن هستیم، مسائل اقتصادی است و در درون آن مسئله کشاورزی، زمین شهری و بدنبال آن وضع تولید، عرضه و تقاضای نامتعادل، تورم، اختلاف بسیار سطح درآمد و محرومیت‌های روزافزون... امروز همه می‌دانند و می‌دانیم که اکثریت مردم حاضر در صحنه مستمند و مستضعفند... همه اینها را قبول دارند که فساد هست، بیماری و بیکاری و دزدی و تقلب ناشی از ثروتهای انبوهی است که بی‌جهت و غیر قابل کنترل در دست عده‌ای معدود جمع شده است" (اطلاعات، ۱۳ تیر ۶۶).

چه کسانی جز خمینی و اطرافیان‌ش باید پاسخگوی این وضع فلاکت‌بار در جامعه باشند؟ خبرنگار "اطلاعات" در مصاحبه پیش گفته با رفسنجانی می‌گوید: "... نقدینگی بخش آزاد از سال ۵۶ تا ۶۴، ده برابر شده و از صد میلیارد تومان به هزار میلیارد رسیده است. سابقاً سر نخ مسائل اقتصادی در دست مثلاً چهل، پنجاه نفر بوده، ولی بعد از انقلاب، با فرار آنها، این تعداد گسترش و تزیاید یافته و اشخاص بسیاری به سرمایه‌ها و درآمدهای هنگفت رسیده‌اند..."

چنین است چهره واقعی به اصطلاح "کفرزدائی و فقرستیزی" ج.ا. تمرکز ثروت در دست عده قلیلی از سرمایه‌داران محترم و خدیجه‌های زمان "محصول نظام" ولایت فقیه

است.

خمینی در پیامش می‌نویسد: "... آنها که در خانه‌های مجلل راحت و بی درد آرمیده‌اند... و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند." "امام امت" در اینجا نیز سفسطه می‌کند.

صاحبان ثروت بیکران بدون حمایت "شورای نگهبان" انتصابی خمینی نمی‌توانستند به غارت بی‌بند و بار خود ادامه دهند. "شورای نگهبان" رکن اصلی و مقتدرترین نهاد حکومتی است. در این نهاد نیز قدرت در دست شش فقیه متمرکز است. هیچ قانونی بدون تصویب "شورای نگهبان" نمی‌تواند بمورد اجرا گذارده شود. طی سه سال قانونگذاری دوره دوم مجلس شورای اسلامی از ۲۲۱ لایحه قانونی، تعداد ۱۰۲ مورد آن از جانب شش فقیه "شورای نگهبان" مخالف قانون اساسی و "مخالف شرع انور" تشخیص داده شده که اغلب آنها بعلریقی مغایر با منافع "بازاریان محترم" بوده است. فقهای "شورای نگهبان" منتخب شخص خمینی هستند و دستور و فرمان او را به اجرا می‌گذارند. وقتی خمینی می‌گوید، "من میل دارم که این مجلس طوری باشد که اگر قانونی را گذرانند، وقتی که در شورای نگهبان برود بی‌چون و چرا قبول کنند" (رسالت، ۱۶ خرداد ۶۶). آیا معنایش جز حمایت بی‌چون و چرا از کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان است؟

هم اکنون رژیم سر و صدای زیادی پیرامون مبارزه با گرانی و احتکار بر اه انداخته است. و این در حالی است که به نوشته "مطبوعات" لوائج تامین و توزیع کالا با تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان... از نظر شورای نگهبان مغایر با موازین شرع و قائلتوان اساسی شناخته شده است. شورای نگهبان لایحه دریافت مالیات از درآمد صاحبان ثروت را نیز مخالف شرع و قانون اساسی دانست و دو سال است که این لایحه از کمیسیون به کمیسیون دیگر می‌رود.

بهزاد نبوی می‌گوید که احتکار و تورم منبع فساد و بحران است و "ممکن است اساس نظام جمهوری اسلامی رابه خطر اندازد" (کیهان، ۲۴ خرداد ۶۶). "اطلاعات" می‌نویسد: "این واقعیت را هم باید قبول کنیم که گرانی و تورم پتکی است گران و سنگین و خرد کننده و در هم شکننده و مرگ آور، که بر فرق مردم محروم فرود می‌آید. گرانی و تورم، یعنی مرگ تدریجی قشر مصرف کننده و نیز کشتار بی‌سر و صدای مستضعفین و محرومین به دست ارباب مکنک و ثروت" (اطلاعات، ۲۱ خرداد ۶۶).

هم بهزاد نبوی و هم "اطلاعات" واقعیت موجود در جامعه را منعکس می‌کنند. آری نظام ج.ا. محکوم به زوال است، زیرا این نظام مدافع منافع "ارباب مکنک و ثروت" است. نظامی که شرایط "کشتار بی‌سر و صدای مستضعفین و محرومین" را فراهم می‌آورد، نمی‌تواند با خشم و نفرت و قهر توده‌های میلیونی روبرو نگردد.

نظام ج.ا. محکوم بزوال است، برای اینکه قادر نیست و نمی‌تواند مشکل عظیم اقتصادی کشور را حل کند. تورم موجود که برخی از دست اندرکاران آن را ۴۷ درصد می‌دانند محصول ورشکست اقتصادی و سیاست ادامه جنگ رژیم ضد خلقی است.

قلب هزارپاره

قلیم رابه باد سپردم
تا
بر هر کران که گذردارد
افشاندش چوپدر

همراه باد رفت قلیم
دیگر از آن من نیست
یک پاره در کناره چوپاره
یک پاره در نهفته دره
یک پاره در قدم رود
یک پاره در دل جنگل
قلیم هزارپاره شد

اما
بر هر کران که عشق گذر کرد
قلیم به روی روش او خندید
بر هر زمین بایر و تشنه
ابری شد و گریست
قلیم هزارپاره شد

اما
هر پاره‌اش به دلی پیوست

س. نیکروش

در حال حاضر بخش عظیم بودجه کشور صرف هزینه جنگ خاتمتوسون می‌شود. کاهش صدور نفت خام - بنگانه منبع درآمد ارزی کشور - رژیم رابا ورشکست مالی روبرو ساخته است. بخش قابل توجهی از درآمد ارزی نیز صرف خرید تجهیزات نظامی می‌شود. فقدان ارز خارجی برای خرید مواد اولیه، نیم ساخته ویدیکی و... صنایع وابسته رایکی پس از دیگری به تعطیل می‌کشاند. بیش از ۸۰۰۰ کارگاه تعطیل شده و اکثر کارگاهها با ۱/۱ و یا نصف ظرفیت کار می‌کنند. این روند که با نظامی شدن تولید کارخانه‌های بزرگ همراه است، به تقایل چشمگیر کالاهای صنعتی مورد نیاز مردم انجامیده است. وزیر صنایع سنگین ضمن توضیح پیرامون گرانی می‌گوید: "تا تولید و عرضه کم است و تقاضا زیاد است گرانی هست و الا تا ۱۰ سال دیگر ما نمی‌توانیم تولیدمان را اضافه کنیم... زیرا این سیاست مستلزم منابع مالی بسیار زیاد است که ما از آن محرومیم" (کیهان، ۲ خرداد ۶۶).

محصولات کشاورزی تولید شده در داخل کشور قادر به تامین تغذیه جمعیت روبه افزایش نیست و رژیم ناکزیر است که سالانه بیش از ۲ میلیارد دلار صرف خرید ارزاق عمومی کند.

رژیم برای تامین هزینه ریالی بودجه به استقراض از سیستم بانکی ادامه می‌دهد. افزایش مستمر وام دولت به سیستم بانکی که به صدها میلیارد ریال می‌رسد خود یکی از عوامل تورم فزاینده است. طبق آمار رسمی ارزش ریال در سال جاری به ۵۵ درصد ارزش آن در سال ۶۴ تقلیل یافته است.

آنچه بر سر مردم فقط گوشه‌هایی از پی آمدهای مخرب "اقتصاد اسلامی" است که خمینی در پیام خود خواهان پیاده کردن آن شد. "اقتصاد اسلامی" مورد نظر سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی جز نظام سرمایه‌داری وابسته نبوده و نیست. خمینی و یارانش نخواهند توانست با سفسطه و عوامفریبی موج در حال گسترش خشم و نفرت توده‌های زحمتکش رافروشانند.



از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

حرکت اعتراضی در "کبریت توکلی"

در کبریت سازی "۲۹ بهمن" ("توکلی سابق) تبریز، عدم وجود دستگاه‌های ایمنی و حفاظتی موجب مرگ کارگری بنام علی بابائی آذر و اعتراض وسیع کارگران این کارخانه شد. ساعت ۶/۵ صبح ۱۸ فروردین کارگری یاد شده از روی دستگاهی که دو متر با زمین فاصله داشت با سر بزمین افتاد و خون از گوش و دماغش سرازیر شد. کارگران همکار مجروحان را به محوطه کارخانه بردند. از ۶ دستگاه خود روی کارخانه، حتی یکی پیدا نشد که او را به بیمارستان ببرند و وقتی کارگران توانستند وسیله دیگری بیابند و همکارشان را به بیمارستان برسانند که دیر شده بود و علی بابائی آذر قربانی سهل انگاری مسئولان کارخانه شده بود.

کارگران قسمتهای مختلف را تعطیل کردند و در حالیکه به مسئولان کارخانه دشنام می دادند در محوطه جمع شدند و در ساعت ۹/۵ هنگامی که "آقازاده"، مدیر جدید، وارد کارخانه شد، او را شدیداً مورد اعتراض قرار دادند. کارگران گفتند: نقص فنی دستگاهها و عدم وجود دستگاههای ایمنی تاکنون از همکاران ما دور قربانی گرفته است. آنها گفتند: سال گذشته نیز یکی از کارگران بعد از چهل سال کارلای دستگاه تکه تکه شد و کارفرمایک موکت چهارصد تومانی خرید و بخانه اش فرستاد و بدینوسیله پول خوش راپرداخت. آنان همچنین به قطع سه انگشت یکی از کارگران بوسیله دستگاه اشاره کردند و نیز گفتند که چندی پیش در اثر نبود دستگاه ایمنی نزدیک بود که دست کارگری از بازو قطع شود که خوشبختانه اقدام موقع همکاران موجب نجات وی شد.

یکی از نکاتی که کارگران به آن اشاره کردند قطع کلیه‌های ایمنی دستگاهها و بکسره شدن برق کارخانه توسط "حفاظت" است. آنها گفتند: اگر اتفاقی بیفتد، تا برو که برق را از مرکز قطع کنند کار از کار گذشته است.

هنگامی که کارگران اعلام کردند که از طرف کارخانه برای همکارشان مجلس ترحیم برگزار خواهند کرد، از طرف مدیر کارخانه و "انجمن اسلامی" به آنها مارک "وابستگی به گروهها" زده شد. مدیر کارخانه گفت: شما از کدام گروه هستید و چه کسی به شما چنین اجازه ای داده است؟ این مسئله خشم کارگران را افزونتر ساخت.

اعتصاب کفاشان تهران

از شانزدهم تا بیست و یکم خرداد، بخش قابل توجهی از کفاشان تهران در اعتراض به عدم تأمین مواد اولیه اعتصاب کردند.

عدم تأمین مواد اولیه از طریق دولت و گرانی سرسام آور آن در "بازار آزاد" کفاشان را نیز، مانند دیگر صنوف، با کاهش بیش از حد تولید و خطر

بیکاری مواجه ساخته است. کفاشان اعتصابی از تعاونی کفاشان خواسته اند تا مسائل و مشکلاتشان را با مسئولان در میان نهند.

اعتصاب کفاشان بدلیل ضعف سازماندهی و از جمله بی خبر ماندن گروهی از کارگران کفاش از تاریخ مشخص شروع آن با نارسائی‌های توأم بود و موفقیت چندانی در پی نداشت.

حرکت پیروزمند در "ایران ناسیونال"

در قسمت "پرس جدید" کارخانه، مهندس وکیلان (رئیس قسمت) به دو تن از کارگران بر خورد که در حال گرم کردن صبحانه خود بودند. وی برایش ادامه داد و هنگام بازگشت دید که کارگران به تذکر او توجهی نکرده اند و بکار خود مشغولند. در نتیجه عصبانی شد و ضمن توبیخ شفاهی کارت آنان را برداشت و به اخراج تهدیدشان کرد. کارگران پرس که بالغ بر ۱۰۰ نفر می شوند از تهدید رئیس قسمت بخشم آمدند و برای جلوگیری از اخراج همکارانشان دست از کار کشیدند و در مقابل سالن جمع شدند. مهندس وکیلان آنها را تهدید کرد که اگر به سر کار خود باز نگردند همگی را اخراج خواهد کرد و وقتی دید که کارگران از جای خود نکان نمی خورند و همچنان خواستار استرداد کارت همکارانشان هستند، دیگر بار تهدید کرد که اگر دست از سماجت برندارند سپاه را خبر خواهد کرد. کارگران گفتند: اگر سپاه را هم خبر کنید از خواستمان عدول نمی کنیم. پس از حدود ۲ ساعت کشمکش و درگیری، سرانجام کارت کارگران "خاطی" برگردانده شد و کارکنان قسمت پرس پیروزمند به محل کار خود باز گشتند. خبر این حرکت اعتراض آمیز در سرتاسر کارخانه پیچید و انعکاس بسیار خوشحال کننده ای داشت. کارگران "ایران خود رو" می گویند مقاومت قسمت پرس نمونه بسیار بارزی از پیروزی در نتیجه اتحاد است.

خبرهای دیگری از ایران ناسیونال

* ۴ نفر از کارمندان حسابداری و شعبه "خرید" ایران خود رو ("ایران ناسیونال سابق) در ارتباط با سو استفاده های مالی دستگیر شدند. این دستگیری پس از افشا سو استفاده های کلان در این کارخانه، در سطوح بالا و پائین، انجام شده است.

کارگران می گویند دزدان اصلی راست راست راه می روند و کسی هم با آنها کاری ندارد، اما خرده پاهادستگیری می شوند.

* اخیراً، مجدداً زمره "بازخرید اجباری و با اخراج بخش دیگری از کارگران این واحد بر سر زبانها افتاده است. کارگران که وضع فلاکت بار اخراجی‌ها (داوطلبان بازخرید) دوره "قیل را از نزدیک دیده اند، در برابر توطئه جدید مدیریت عکس العملهای شدیدی از خود نشان می دهند و می گویند ما فریب دسیسه های کارفرمایان را نمی خوریم.

* در گردمائی کارگران در مسجد کارخانه، حدود ۲۰۰ نفر شرکت کرده بودند. شخصی بنام "کربلائی" مسئول انجمن اسلامی، طی یک سخنرانی پر آب و تاب، از کارگران داوطلب رفتن به جبهه خواست که به سمت دیگر مسجد بروند. از میان جمع فقط سه نفر به آن سو رفتند، آن سه نیز عضو انجمن

اسلامی بودند.

* در اوایل اردیبهشت امسال بخشی از یک انبار "ایران خود رو" آتش گرفت، همچنین در قسمتهای مختلف دیده شد که برخی دستگاهها عمداً خراب شده اند. بسیاری از کارگران معتقدند که این خرابکاریها کار عوامل رژیم در کارخانه است. آنها در جستجوی بهانه برای تحت فشار قراردادن کارگران، بویژه کسانی که نفوذ بیشتری در میان همکاران خود دارند، هستند.

پروژه نیسان... تولید خمپاره

خط تولید "صنایع ریخته گری ایران"، مستقر در شهر صنعتی کاوه (ساره) نظامی می شود. بنا به تصمیم رژیم قرار است در این کارخانه گلوله خمپاره ۱۲۲ میلیمتری تولید شود. به این منظور، چندی پیش مسئولان کارخانه همراه با نمایندگان سپاه جهت عقد قراردادی در زمینه ساختن "ماهپچه" این گلوله به آلمان غربی سفر کردند و با شرکت مدل سازی "مایونر" قراردادی امضا کردند. بر اساس این قرارداد ماهپچه گلوله خمپاره در شعبه "مایونر" در مرکزیک ساخته و تحویل کارخانه "ریخته گری ایران" می شود. کلیه هزینه این قرارداد تحت عنوان "پروژه نیسان" توسط سپاه پاسداران تأمین می شود.

"صنایع ریخته گری ایران" مدرن و دارای تکنولوژی پیشرفته است و قرار است به تولید بلوک سیلندر و سر سیلندر و متعلقات موتورهای سواری و کامیون بنز بپردازد. در این واحد، ماشین آلات ساخت سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶، با عمر مفید ده الی ۱۲ سال، نصب شده که تا کنون بیش از دو میلیارد تومان هزینه دربر داشته است. صنایع ریخته گری ایران دارای سه نوع خط قالب گیری است. یکی از این خطوط اختصاص به تولید چهارنوع بلوک سیلندر (برای کامیون) دارد و یکی دیگر مخصوص تولید سر سیلندر کامیونهای بنز است.

در شرایط کنونی که این کارخانه هنوز تولید خود را آتچنان که باید آغاز نکرده است - و با نظامی شدن خط تولید به نظر می رسد که به این زودیها هم آغاز نکند - قطعات یاد شده همراه با دیگر قطعات کامیونهای بنز از آلمان غربی وارد می شود. اگر این کارخانه براه بیفتد و درست از آن استفاده شود، نه تنها از خروج ارز برای خرید سیلندر و سر سیلندر کامیون بنز جلوگیری می شود، بلکه با برنامه ریزی حساب شده می توان به صدور آن نیز مبادرت کرد، اما همانطور که گفته شد رژیم جنگ افروز خمینی قصد دارد که این کارخانه را نیز فدای سیاست "جنگ جنگ ناپیروزی" کند.

تعلیم نظامی برای "روز مبادا"

در جریان آموزش نظامی کارگران کمپرسور سازی قزوین، در دو نوبت و هر نوبت بمدت ۱۵ روز، بخش مهمی از کارگران بدلائل گوناگون، تدریجاً از زیر بار آموزش شانه خالی کردند. در این مدت، هر روز کارگران لباس نظامی بر تن می کردند و به تمرین عملیات می پرداختند. وقتی از رفتن به جبهه سخن گفته می شد کارگران نشان می دادند که با آن مخالفتند. گفته می شد که بهر حال تعلیم نظامی از جهاتی بد نیست و بدرد "روز مبادا" می خورد.

طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز!

کارگران صنوف و دشواریها

"کارگران صنوف با مشکلات دیگری نیز روبرو هستند. بیکاری فصلی مسئله دیرینه و همیشگی این کارگران بوده است. بعلاوه بیکاری ناشی از بمباران شهرها و قطع برق نیز به آن اضافه شده است و در مجموع بیشتر سال کارگران صنوف بیکار و نیمه گرسنه هر روز برای پیدا کردن کار از این کارگاه به آن کارگاه سرگردانند. بلا تکلیفی قانون کار، نبودن بیمه و بهداشت و ساعات کار مناسب از دیگر این مشکلات است. سرمایه داران با شیوه "کارمزدی شیره" جان کارگران را می کشند. هر وقت بازار رونق داشت از آنها می خواهند شبانه نیز کار کنند و وقتی بازار از رونق می افتد آنها را به امان خدا رها می کنند و می گویند: کار نیست. این دستاوردهای رژیم منحوس جمهوری اسلامی برای کارگران است. آیا واقعاً چه کسی به داد کارگران و زحمتکشان می رسد؟ باید پاسخ داد: هیچکس بجز خود آنها، آنها با مبارزه متحد و یکپارچه. و بقولی: چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است."

نقل از اعلامیه کارگران سندیکای خیاطان به مناسبت اول ماه مه

*توضیح: در شماره ۱۶۵ بخش دیگری از این اعلامیه با عنوان "هدفهای ضد کارگری رژیم" چاپ شد، که نام صادر کنندگان اعلامیه افتاده بود. بدینوسیله بوزش می طلبیم.

کارگران مازاد در "پارس الکتریک"

در "پارس الکتریک" تهران، صدها نفر کارگر مازاد بر احتیاج تشخیص داده شده اند و کارفرما در ایام نوروز تصمیم خود را در زمینه اخراج کارگران مازاد اعلام کرده است. وی گفته است کسانی که داوطلب باز خرید شوند ۲۵۰ تومان بیش از مزایای استحقاقی خود دریافت خواهند کرد. حکم اخراج بیشتر شامل کارگران "غیر متخصص" می شود.

کارگران کوره پزخانه ها و خطر بیکاری

خطر بیکاری کارگران کوره پزخانه ها را تهدید می کند. از زمانی که سخن از تعطیل شدن کوره ها به نفع کارخانه های آجرپزی بر سر زبانها افتاده است، نگرانی این کارگران افزایش یافته است. علاوه بر این، گفته می شود که تعطیل کوره ها و رونق کارخانه های آجرپزی موجب افزایش قیمت رسمی مصالح ساختمانی خواهد شد.

تبانی پیمانکار و مدیر کارخانه و نماینده اداره کار

پیمانکار تعاونی مسکن شرکت "ایران الکتریک" رشت بجرم کلاهبرداری مورد شکایت هیئت مدیره تعاونی قرار گرفت. پس از بررسی معلوم شد که پیمانکار یاد شده از جمله صدمتر مکعب چوب و چندین تن آهن تحویل گرفته است، اما این مواد به مصرف خانه سازی نرسیده است. میزان کلاهبرداری حدود ۲۰ میلیون تومان تخمین زده می شود. پس از شکایت هیئت مدیره تعاونی "بیات"، نماینده اداره کار رشت، مامور بررسی امر شد، اما با آن که جرم پیمانکار مسجل گردیده نسبت به تعقیب وی اقدامی صورت نگرفته است. در "ایران الکتریک" شایعه تبانی پیمانکار و مدیر کارخانه و نماینده اداره کار بر سر زبانهاست.



گفتگو با یکی از مسئولان وزارت کار

در وزارت کار و امور اجتماعی کمیسویی برای آمارگیری و تهیه گزارش از کارخانه هایی که تعطیل یا نیمه تعطیل می شوند و یا بعلت کمبود مواد و غیره کارگزاران را اخراج و نیمه بیکار می کنند تشکیل شده است. اعضای این کمیسیون هر روزه از صبح تا بعد از ظهر گزارشهایی را که از ادارات کار استانها و شهرستانها می رسد مورد بررسی قرار می دهند و فرمهای مخصوصی تهیه می کنند و شبانه به آقای وزیر می رسانند.

از یکی از مسئولان پرسیده شد: آقای وزیر با این آمار روزانه چه می کنند؟

پاسخ: ایشان اول وقت هر روز بعرض آقای نخست وزیر می رسانند.

پرسش: آقای نخست وزیر با آن چه می کنند؟

پاسخ: لایه در هیئت وزیران مطرح می نمایند.

پرسش: بعداً چه می شود؟

پاسخ: لایه بایکاتی.

شخص مورد پرسش گفت: هر روز تعدادی از کارخانه ها و کارگاهها حتی مراکز تولید زیر پوش نهادهای تولیدی بعلت کمبود مواد اولیه و نداشتن امکانات لازم تعطیل یا نیمه تعطیل می شوند و در نتیجه کارگران اخراج یا باز خرید و یا در مقابل دریافت تمام حقوق به جبهه اعزام می شوند. برخی از کارگران نیز با دریافت معادل ۱۵ روز دستمزد "قرض الحسنه" در هر ماه برای مدتی کوتاه منتظر خدمت می شوند.

کارگرانی که باز خرید می شوند، با پول دریافت شده یا قسط اول را برای خرید یک خانه محقر می پردازند، یا پیشکرایه می دهند و یا اتوموبیلی می خرند که با آن مسافر کشی کنند. برخی نیز که پول کمتری می گیرند چند ماهی را با آن سر می کنند و پس از آن دوران گرسنگی و انتظار پیدا کردن کار دیگر فرامی رسد.

کارگران مینو زیر بار زور نرفتند

کارگران کارخانه "مینو" باتصمیم مدیریت در زمینه افزایش ساعات کار، روزانه ۲ ساعت بمدت یکماه، برای چیران "کسری کار" در ماه رمضان، مخالفت کردند و توانستند به عقب نشینی وادارش کنند.

بر اساس گزارش رسیده، پس از آن که مدیریت چند بار تصمیم خود را اعلام کرد و بادهن کجی کارگران روبرو شد، کوشید چند نفر از اعضا "انجمن اسلامی" را متقاعد کند که برای اضافه کاری مجانی پیشقدم شوند. این مسئله به درگیری شدید کارگران و "انجمن اسلامی" و بالاخره عدم موفقیت مدیریت انجامید. حتی پیشنهاد مدیریت، دایر بر روزانه یک ساعت اضافه کار بمدت یکماه نیز پذیرفته نشد.

وضع اسفبار تعاونی ریسندگی و بافندگی "خاور"

تعاونی مصرف کارگران ریسندگی و بافندگی "خاور" رشت وضع اسفباری دارد. تا دو سال پیش اگر تعاونی می توانست ۵ تا ۶ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید، ۲ یا ۴ دستگاه یخچال، ۲ دستگاه جارو برقی، یک دستگاه تلویزیون رنگی و ۲۰ تخته فرش بین کارگران توزیع کند، از دو سال پیش تا کنون تنها موفق به عرضه یک قلم از این کالاها شده است. کارگران از عدم همکاری "امکان" (اتحادیه تعاونیهای مصرف کارگری) با تعاونی خود بشدت ناراضی هستند. "بهترین" کالاها که سال پیش توسط تعاونی این واحد تقسیم شده کره نباتی و تیغ بوده است. همچنین با آنکه هشت سال از فعالیت تعاونی می گذرد هنوز دفاتر و وضعیت مالی آن مورد بررسی قرار نگرفته است.

چند خبر کوتاه

به رغم مخالفت شدید کارگران، سرانجام "پارس متال" به "حاج تحصیلی"، سهامدار عمده این کارخانه، برگردانده شد. این امر حتی انجمن اسلامی را متعجب کرد. اعضا انجمن معتقد بودند که چون کارخانه برای سپاه تولید می کند دولت حاضر نمی شود آن را به حاج تحصیلی مسترد کند.

در پی درگیری کارگران "صنایع چوب ایران" و مدیریت، اخیراً آخوندی، یکی از نمایندگان مجلس، به کارخانه آمد تا با "نصیحت" و "ارشاد" کارگران را "سر جایشان بنشانند". کارگران که دست او را خوانده بودند، رغبتی به شرکت در جلسه سخنرانی نشان ندادند و نماینده دست از پا درازتر کارخانه را ترک گفت. مدیریت عده ای را "عامل تحریک کارگران" می داند و گفته است که با آنها "برخورد جدی" خواهد کرد.

اخیراً بعضی از کارخانه ها بدلیل کمبود نقدینگی با شعبه های بیمه توافق کرده اند که سهم بیمه کارگر و کارفرما را فعلاً نپردازند. "بزرگ خاور"، "لوله و ماشین سازی" و "فرنیانکو" از این دست کارخانه ها هستند که از سه تا هفت ماه حق بیمه را واریز نکرده اند. کارخانه "پروفیل نیمه سبک هم در حال مذاکره و اقدام برای عدم پرداخت موقتی سهم بیمه است.

درباره

"دادسرای ویژه روحانیت"

خمینی با صدور دو حکم جداگانه و انتصاب حجت الاسلام علی رازینی بسمت حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و حجت الاسلام فلاحیان بسمت دادستان دادسرای ویژه روحانیت، در واقع آغاز به کار دادسرای ویژه روحانیت را اعلام داشت.

حال این پرسش پیش می آید: تشکیل دادسرای ویژه روحانیت ناشی از کدام ضرورت و زائیده چه علل و عواملی است؟ با وجود محاکم دادگستری و دادگاهها و دادسراهای رنگارنگ "انقلاب اسلامی" که رسیدگی به جرائم مختلف در حوزه وظایف و اختیارات آنهاست، اگر در واقع کاسه ای زبر این نیمه کاسه نیست و نیت واقعی رژیم رسیدگی به جرائم و خیانتهای نابخشودنی روحانیون مرتجع و "روحانی نمایان" است، دیگر تشکیل دادسرای ویژه و براه انداختن هیاهوی تبلیغاتی پیرامون آن چه لزومی دارد؟ چرا باید روحانیون از نوعی حقوق ویژه و مصونیت خاص اجتماعی برخوردار باشند و مردم در بهترین حالت وعده محاکمه آنها در دادگاههایی راهپنویسند که اولاً خود برپاکنندگان آنها باید دیر یا زود در دادگاه خلق بچرم پاسداری از نظامی ضدملی و ضد مردمی محاکمه شوند و ثانیاً معلوم نیست این دادگاهها بر طبق چه احکام و قوانینی عمل خواهند کرد و چه مجازاتهایی برای مجرمین روحانی در نظر خواهند گرفت؟

در شرایط کنونی، برپایی نهاد قضایی جدید ویژه روحانیون و انحلال اعلام نشده دادگاه پیشین مخصوص روحانیت که تحت سرپرستی جامعه مدرسین قم قرار داشت، از معنا و مفهوم و اهمیت سیاسی و اجتماعی خاصی برخوردار است. با توجه به بالاگرفتن موج ناخشوندی و بی اعتمادی مردم نسبت به حاکمیت و رهبران و ایسکرای مذهبی، تشکیل این دادگاهها، در واقع حلقه ای از چاره اندیشی های خمینی برای متوقف ساختن روند پرشتاب و درنگ ناپذیر تنگ تر شدن پایگاه حاکمیت استبداد قرون وسطایی مذهبی است. خمینی دیروز که از اعتماد عمومی خلق برخوردار بود، امروز با خیانت به آماجهای انقلاب خود را بیش از پیش در بین توده ها در انزوا می بیند. در این هنگامه که مردم از دست روحانیون مرتجع "کارده به استخوانشان رسیده" او برای تسکین دردهای بی شمار آنها، پس از پند و اندرزهای بی ثمر، با پرتاب تیری در تاریکی، پالایش غیر قابل تحقق قشر روحانیت را بخاطر "حفظ شئون" آن، بعنوان راه نجات می جوید. این حقیقت، به روشنی در سخنان مشکینی، رئیس مجلس خبرگان بازتاب می یابد. وی می گوید:

"همیشه امام امت در جایی که مسئله حاد و مشکلی برای انقلاب و اسلام پیش بیاید و کارده به استخوان برسد، به فریاد این ملت انقلابی رسیده است..." (اطلاعات ۶۶/۴/۲)

هدف خمینی از براه انداختن این دادگاهها در حقیقت هموار کردن راه برای بهره برداری در دو زمینه است. یکی مانور در زمینه مبارزه با مفاسد و آلودگی های گوناگون همانند دزدی، کلاهبرداری، رشوه خواری و زنجارگی که همواره دامنگیر بخش

با صدور کشتک وهسته آلبالو چقدر ارز تامین می شود؟

می دهد.

شعار تو خالی افزایش صادرات غیر نفتی، بویژه محصولات کشاورزی که گویا باید موجب احیای کشاورزی ایران شود، چیزی جز توجیه بحران اقتصادی کنونی نیست.

نمونه بارز این عوام فریبی ها سخنرانی قبل از دستور یکی از "محترمین" بازار در مجلس است. وی برای پنهان کردن سودجویی خود و موکلینش (سرمایه داران بزرگ) سالوسانه سنگ مستضعفین روستا را به سینه می زند. امانی همدانی نماینده تهران می گوید: "... عده ای با کسب و تجارت مخالفند و بهانه جوئی و حمله به شورای محترم نگهبان، صندوق قرض الحسنه، شورای عالی اصناف، اطاق بازرگانی و اتحادیه های صنفی از همین ناحیه است... هم اکنون همه روزه ۶۰ تن قالی توسط هواپیما به خارج صادر می شود و عده ای سعی در اختلال در صدور فرش دارند. زیرا چنانچه صدور فرش متوقف شود زبان را تولید کننده دست اول که مستضعف ترین مردم است خواهد پرداخت" (اطلاعات ۶۶/۲/۵)

وزیر بازرگانی بمنظور تسویه حساب گروهی مشت نماینده بازاربان را باز کرده و می گوید:

"کل صادر کنندگان فرش ۱۲۰۰ نفرند که در سال ۶۴

است. مردم نتیجه فعالیت چندین ساله دادگاه ویژه روحانیت قم را که در سال ۵۸ تشکیل گردید، دیده اند. مردم دیده اند آخوندهایی را که با انواع جرائم و آلودگی های اخلاقی حداکثر به "خلع لباس" محکوم گردیده اند. درباره عملکرد دادسرای ویژه روحانیت نیز بقول معروف "ببینیم و تعریف کنیم".

گذاشته از اینها، اشاره به یک نکته نیز خالی از زمینه نیست. و آن اینکه، یکی از علل تشکیل دادگاههای درپسته و ویژه ای از این دست عبارت است از تلاش برای "حفظ" چهره روحانیت در مجموع بعنوان "قشری پاک و ببری از خطا و آلودگی" و همچنین تلاش برای "حفظ" اسرار مگوی مربوط به گروهی از آخوندهایی که با "آبروی" عامه پسران و عبا پر دو شان حاکم بازی می کنند و "اعتبار" این قشر را خدشه دار کرده اند!

براه انداختن دادگاههای ویژه روحانیت هیچ سند براهی بدست حکام مرتجع مذهبی نمی دهد تا سالوسانه بیدادگریهای خود را توجیه کنند و از رژیم و تک تک روحانیون "چهره خدمتگزار به خلق" عرضه کنند. مردم خدمتگزاران راستین خود را می شناسند و به آنها به دیده احترام می نگرند و از همین روست که به آخوندهای و ایسکرای حاکم که به آماجهای انقلاب بهمین خیانت کرده اند و دستشان به خون پاکترین فرزندان خلق آلوده است، باخشم و کین می نگرند.

در یکی دو سال اخیر شعار افزایش صادرات غیر نفتی و رونق کشاورزی و جبران کاهش درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت، ورد زبان مسئولین جمهوری اسلامی شده است.

شرکت کنندگان در سمنارها، شوراها عالی و گردهم آئی های گوناگون خودسرانه نتیجه می گیرند که "نعمت جنگ" سبب "توفیق اجباری" رونق کشاورزی و افزایش صادرات غیر نفتی شده و کشور را از اقتصاد تک محصولی نجات داده است. این ادعا چیزی جز دروغ محض نیست.

با کمک گرفتن از آمار و ارقام می توان پرده از این حیلہ گردانندگان رژیم برداشت.

روزنامه اطلاعات ۲۸ آبان ۶۵ به نقل از وزیر کشاورزی در مجلس میزان درآمد حاصل از صادرات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۶۴ را معادل ۲۵۲ میلیون دلار ذکر می کند. مسئول شرکت فرش نیز درآمد حاصل از صادرات فرش را ۱۸ میلیارد ۲۱۶ میلیون ریال برابر ۲۵۰ میلیون دلار اعلام کرد (کیهان ۶۶/۲/۵).

واقعبیت این است که غیر از فروش برخی مواد کانی مانند سرب، روی، کرمیت و غیره که در حقیقت فرقی با صدور نفت خام ندارند (اطلاعات ۶۵/۱۲/۱۳)، هشتاد درصد صادرات غیر نفتی کشور را محصولات کشاورزی همراه با فرش تشکیل

چشمگیری از روحانیت بوده و بویژه در سالهای اخیر با بهره گیری از اهرمهای قدرت سیاسی بسیار گسترش یافته است. زمینه دیگر، که بیشتر با عمل همراه است، روی تلاش خمینی برای سیردن مخالفان سیاست و عملکرد خود به این دادگاهها و ایجاد "وحدت کلمه" در بین روحانیت متمرکز می گردد. احاله پرونده "مهدی هاشمی و کسانیکه با وی در ارتباط بوده اند" به دادگاه ویژه روحانیت بیانگر این واقعبیت است. خمینی وجود "وحدت کلمه" در بین روحانیون و بیرون کشیدن پای آنها از دایره اختلافات جناحهای گوناگون درون حاکمیت را وثیقه ادامه حیات رژیم "ولایت فقیه" می داند. از اینرو پاک کردن صفوف روحانیت از وجود مخالفان خود را از جمله وظایف این دادگاهها می شمارد. درونمایه وظایف این دادگاهها را می توان از زبان فلاحیان، دادستان ویژه دادسرای روحانیت، شنید. او گفت: "... در این دادسرا اختصاصاً جرائم ضد انقلابی، فساد فحشا و اتهاماتی که با شان روحانیت منافات داشته باشد، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و با روحانی نمایان... شدیداً برخورد خواهد شد..." (صدای ج ۶۶/۴/۱۵۰)

آنگونه که از مفاد احکام انتصاب خمینی و همچنین سخنان دادستان ویژه دادسرای روحانیت بر می آید، گویا یکی از ویژگیهای این دادگاهها در "قاطعبیت" و "شدت عمل" فوق العاده آنها نهفته

بیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی يك وظیفه انقلابی است!

برسر زبانها

* مردم دولت موسوی را "دولت قیمت گذار" نامگذاری کرده اند.

* رژیم جمهوری اسلامی نیز "رژیم جمهوری اسلامی بازار" نامیده شده است.

* تلگرافی با شرح زیر، از تهران به کاخ سفید: "از اکی به مکی! بفرست لوازم یدکی! (منظور از "اکی" و "مکی" اکبر رفسنجانی و مک فارلین است).

* این شعار در یکی از شهرهای شمال روی دیوار نوشته شده بود: "ما رابطه با آمریکا را می خواهیم چه کنیم؟"

* ظریفی بین دو کلمه "می خواهیم" و "چه کنیم" یک علامت ویرگول (،) گذاشته و بدین ترتیب چنین شده بود: "ما رابطه با آمریکا را می خواهیم، چه کنیم؟"

* یکی از شعارهای حزب روی دیواری نوشته شده بود: "حزب الله آمده بود و زیر آن نوشته بود: "شعار نویس! اگر مردی روز بنویس". روز دیگر عابرن شاهدافزودن جمله ای زیر شعار دیواری بودند: "حزب الله، اگر مردی شب پیا منو بگیر!"



مرکزی، سخنرانی علی یاتا، "قطعنامه عمومی" و چند قطعنامه دیگر را تصویب کردند.

در بخشی از "قطعنامه عمومی" آمده است:

"... حزب ما از ادامه جنگ دیوانه وار، انتحار آمیز و طولانی میان ایران و عراق متأسف است. این جنگ دستاویزی است برای تجاوزات بیشتر امپریالیسم و صهیونیسم و پی آمدهای زبان بخشی برای امنیت کشورهای عرب، آزادی کشتی رانی بین امللی در خلیج فارس و همچنین صلح منطقه و جهان در بر دارد. از اینرو، ما پشتیبانی خود را از همه ابتکارات صلح، از جمله از قطعنامه شورای امنیت برای پایان بخشیدن به جنگ از راههای صلح آمیز و از طریق مذاکره مستقیم میان دو طرف درگیر اعلام می کنیم."

کمیته مرکزی منتخب کنگره چهارم کمونیستهای مراکش در نخستین نشست خود بار دیگر رفیق علی یاتا را به سمت دبیر کل کمیته مرکزی "حزب پیشرفت و سوسیالیسم" مراکش برگزید.



در کنگره کمونیستهای...

جلوگیری از گسیل جهان به جهنم هسته ای را مهم ترین وظیفه بشریت خواند. وی در این زمینه پیشنهادهای صلح سازنده و انعطاف پذیر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را ستود. علی یاتا، همبستگی حزب خود را با پیکار خلقهای عرب، بویژه خلق فلسطین، علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم تصریح کرد.

بگفته او "حزب پیشرفت و سوسیالیسم" پیگیرانه در راه پیشبرد منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شوروی می رزد. حزب ما در راه تبدیل به حزبی توده ای به موفقیتهای بزرگی دست یافته است."

علی یاتا "ضرورت اتحاد عمل همه نیروهای ملی و دمکراتیک و تقویت جنبش سندیکایی" را خاطر نشان ساخت و خواستار اقدامات موثر برای بهبود وضع زحمتکشان شد.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سخنرانی خود، از جمله گفت:

"دعوت شما به شرکت در این کنگره باشکوه نشانه همبستگی دیرینه است، که دو حزب ما را بهم پیوند می دهد و همواره به رزم مشترکمان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح، دمکراسی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی توان بخشیده است. ما بر این همبستگی ارج فراوان می نهیم."

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سپس به تفصیل درباره اوضاع ایران، عواقب جنگ خانمانسوز، اختناق حکمفرما و پیکار دشوار و قهرمانانه حزب در ایران سخن گفت و در پایان افزود:

"حزب توده ایران بیش از همه وقت به همبستگی شما رفقای مراکشی و دیگر کمونیستها و مبارزان راه صلح و آزادی نیازمند است. چشم هزاران اسیر خمینی و دارودسته جنایتکارش به شما و کمک شادوخته است."

با بانگی هر چه رساتر پایان بیدرتنگ جنگ ایران و عراق را خواستار شوید! به یاری زندانیان توده ای و دیگر مبارزان اسیر خمینی بشتابید، که خطر مرگ آنها را تهدید می کند."

پس از سخنان نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، علی یاتا او را در آغوش گرفت و در سخنرانی هیجان انگیز خود "همبستگی بیدریغ کمونیستهای مراکش را با حزب توده ایران" یاد آورد و بر لزوم دفاع هر چه بیشتر از زندانیان سیاسی ایران تأکید ورزید.

آنگاه شرکت کنندگان کنگره از جای برخاستند و صدای "توده ای، توده ای، ما پشتیبان توایم!" در تالار کنگره طنین انداخت.

در پایان کار کنگره "حزب پیشرفت و سوسیالیسم" مراکش، نمایندگان گزارش کمیته

به هر صادر کننده بطور متوسط ۱۰۰ هزار دلار ارز صادراتی و در سال ۶۵ با توجه به افزایش صادرات فرش ۲۰۰ هزار دلار رسیده است" (کیهان ۶۵/۲/۲۱) و (۶۶/۲/۵). و اگر بقول صدقیانی نماینده دیگر مجلس "درآمد این تجار را از ارزی بدست آمده برای هر دلار ۸۰۰ ریال حساب کنیم" نصیب هر کدام برای یک معامله ۱۶ میلیون تومان در یک سال بوده است و این در حالیست که بانرخ جدید دلار در ماههای اخیر درآمد هر صادر کننده به ۲۴ میلیون تومان خواهد رسید.

به این ترتیب درآمدی که از هنر انگشتان ۶ میلیون زن فرش باف و به قیمت خمیده شدن کمر آنان زیر بار سنگین کار در محیط های تاریک بدست می آید، مستقیماً به جیب مشتکی بازاری سودجو سرازیر می شود. و بقول روزنامه اطلاعات درآمد سرانه هر یک از این ۶ میلیون بافنده در سال معادل ۲۰ دلار آنها به نرخ دولتی یعنی ۱۶۰ تومان برآورد می گردد.

افزایش صادرات محصولات غیر نفتی بیش از آنکه نشانه رشد بخشی از اقتصاد کشور باشد به شوخی شباهت دارد. نگاهی کوتاه به ارقام رسمی صادرات و واردات در سالهای اخیر روشنگر این واقعیات است:

صادرات محصولات کشاورزی و فرش
۲۰۰ هزار تن ۵۰۳ میلیون دلار

واردات محصولات کشاورزی
۶ میلیون تن ۲/۲ میلیارد دلار

به گفته مسئول توزیع وزارت بازرگانی میزان واردات فوق در سال جاری ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت (جمهوری اسلامی ۶۶/۲/۱۴)، که این افزایش را بایستی در کوشش رژیم برای تخفیف ناراضیاتی مردم از ادامه جنگ، کمبود مواد غذایی و گرانی بی اندازه مواد مورد نیاز مردم جستجو کرد.

پس از مقایسه ارقام نجومی واردات در مقابل مبلغ ناچیز صادرات خبر روزنامه اطلاعات در شماره دهم مهر ماه ۱۳۶۵ در همین زمینه خواندنی است. این روزنامه خبر می دهد که هیئت دولت بمنظور ایجاد تسهیلات در زمینه افزایش صادرات "محصولات غیر نفتی" کالاهای زیر را نیز از سیردین پیمان رازی معاف کرد. این کالاها که باید صادرات آنها کمبود ارز حاصل از فروش نفت را جبران کند عبارتند از:

"قره قوروت"، "هسته خرما"، "هسته آلبالو"، "هسته هلو"، "کشک"...

و بالاخره طبق آخرین اعتراف وزیر صنایع سنگین میزان صادرات محصولات غیر نفتی به کشور "اسلامی" ترکیه در سال گذشته فقط ۴ میلیون دلار بوده و این در حالیست که قرار بود حجم این صادرات ۵۰۰ میلیون دلار باشد (کیهان ۶۶/۲/۲۲).

مردم به درستی از مسئولین رژیم می پرسند، با صدور کشک و هسته آلبالو و قره قوروت چه میزان از وابستگی روزافزون به واردات مواد غذایی جبران می شود؟

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر، متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

۲۵ سال

در بند



روز ۵ اوت بیست و پنج سال از اسارت "زندانی شماره ۱" رژیم "بوتا" نلسون ماندلا، گذشت - قهرمانی، که نام پرافتخارش زبانزد بشریت آزادیخواه است و سازمان ملل متحد، کشورها و شخصیت‌های گوناگون جهان آزادی او را خواستارند.

پس از کشتار خونین "شارپ ویل"، میهن پرستان آفریقای جنوبی برای دفاع از خود در برابر ترور دولتی بر آن شدند، تا با تشکیل "اوم خونته سیزوه" ("نیزه ملت") به مبارزه مسلحانه با رژیم نژادپرست بپردازند. نخستین فرمانده این سازمان نظامی "کنگره ملی آفریقا" نلسون ماندلا بود، که روز ۵ اوت ۱۹۶۲ دستگیر و نخست به "جرم" دعوت به اعتصاب به پنج سال زندان محکوم شد.

چندی بعد، پس از دستگیری برخی از رهبران "کنگره ملی آفریقا"، نلسون ماندلا بار دیگر به محاکمه کشیده شد و این بار به حبس ابد محکوم گشت.

وی در این دادگاه گفت:

"درست بخاطر آنکه خاک آفریقای جنوبی به خون آفریقایی‌های بیگناه آغشته شده است، وظیفه خود شمردم، تا با به تدارک دوراندیشانه دست بازی به قهر بپردازم، تا از این راه درخویش در برابر قهر دفاع کنیم"

رژیم "پرتوریا" برای شکستن عزم و اراده پولادین ماندلا از چه شیوه‌های نفرت انگیزی، چون ارباب و شکنجه جسمی و روانی، که بهره نجست. اکنون، که این رژیم تبه‌کار حتی در میان متحدان "طبیعی" خود نیز منفرد شده است، "بوتا" و دار و دسته‌اش می‌کوشند تا با گرفتن "تعهد" مبنی بر محکوم کردن "قهر" از ماندلا به اصطلاح خود از "شر"ش خلاص شوند.

در پاسخ به این تلاش عبث بود که این میهن پرست بزرگ آفریقای جنوبی دریاداشتی، که چندی پیش از زندان به خارج فرستاد، خطاب به خلق خود نوشت:

"من، همیشه عضو "کنگره ملی آفریقا" بوده‌ام، هستم و تا دم مرگ نیز خواهم بود این روزها، که نه شما در آزادی بسر می‌برید و نه من بهیچ تمهیدی تن در نخواهم داد. آزادی من از آزادی شما گسست ناپذیر است."

ما توده‌ایها بار دیگر به این انقلابی دلیر درود می‌فرستیم و هم‌آوا با همه پیکارگران راه آزادی و پیشرفت اجتماعی، آزادی هر چه زودتر نلسون ماندلا و خلق قهرمانش را طلب می‌کنیم.

پیرامون موافقتنامه هند - سری لانکا

اخیراً موافقت نامه‌ای پیرامون "استقرار صلح و آرامش در سری لانکا" میان جولیوس جابه وارده‌نه، رئیس جمهور سری لانکا و راجیو گاندی، نخست وزیر هند، به امضا رسید. هدف از تدوین و امضا این موافقت نامه پایان دادن به درگیری‌های خونین میان سنگالی‌ها و تامیل‌های ساکن سری لانکا بود، که تنها در سالهای اخیر، ۵۰۰۰ نفر قربانی آن شده‌اند. لازم به تذکر است که نیروهای افراطی تامیل که خواهان ایجاد کشور مستقل "ایلام" در بخش‌های تامیل نشین جزیره هستند، در مذاکرات شرکت نکردند.

این موافقت نامه نکات عمده زیرین را شامل می‌شود:

الف: در پایان سال جاری (۱۹۸۷) در استانهای شمالی و شرقی کشور که تامیل‌نشین هستند، انتخابات شوراها و ایالتی برگزار خواهد شد.

ب: در استان شرقی که ۴۰ درصد ساکنان آنرا تامیل‌ها تشکیل می‌دهند، در پایان سال ۱۹۸۸ از طریق مراجعه به آراء عمومی پیرامون پیوستن استان شرقی به استان شمالی و تشکیل یک استان واحد که تامیل‌ها در اکثریت خواهند بود، تصمیم گرفته خواهد شد.

پ: پس از موعد مقرر اعلام آتش‌بس تمام نیروهای دولتی به پادگانها باز می‌گردند و نیروهای مسلح محلی منحل خواهند شد. ت: یک کمیسیون هندی - سری لانکائی بر آتش‌بس نظارت خواهد داشت. ث: هند تضمین می‌کند که از اراضی اش اجازه استفاده برای انجام عملیات علیه امنیت و حق حاکمیت سری لانکا نخواهد داد.

ج: هند برای تحقق این موافقت نامه، در صورت تمایل سری لانکا به این کشور کمک نظامی خواهد کرد.

پس از امضای این موافقت نامه در مناطق جنوبی کشور، شورش‌هایی علیه آن روی داد و دولت به "فروش" منافع کشور متهم شد. اختلاف نظر در درون دولت سری لانکا نیز بالا گرفته است.

این منازعات دارای ریشه‌های ژرفی در جامعه هستند. عوامل مذهبی، علل اجتماعی و نیز میراث سلطه چند صد ساله استعمارگران انگلیسی به او جگیری درگیریهای خونین انجامیده‌اند.

سنگالی‌ها، از ۲ هزار سال پیش از بخشهای شمالی هندوستان به جزیره سیلان کوچ کردند. آنها معتقد به دین بودا هستند و ۷۲ درصد مردم جزیره را تشکیل می‌دهند. "تامیل‌های سری لانکا" که همچنین دو هزار سال پیش از جنوب هند به سیلان کوچ کرده‌اند و "تامیل‌های هندی" که دویست سال پیش توسط استعمارگران انگلیسی به عنوان کارگران ارزان مزارع به این جزیره منتقل شدند، معتقد به هندویسم هستند.

استعمارگران انگلیسی، طبق شیوه قدیمی "تفرقه بیانداز و حکومت کن" خود، برای اقلیت تامیل کشور برخی امتیازات را قائل شدند و در همان زمان در میان اکثریت سنگالی به جریحه دار ساختن احساسات ملی دامن زدند. آنها از تفاوت میان مذاهب دو بخش مردم سری لانکا نیز سو استفاده کردند. از زمان استقلال سری لانکا، در سال ۱۹۴۸، تمام دولتمردان کشور از میان سنگالی‌ها انتخاب شده‌اند. نیروهای شوینیس بورژوازی سنگالی و روحانیت بودایی که اکنون نیز علیه موافقت نامه "قیام" کرده‌اند، در سالهایی که از استقلال کشور می‌گذرد، قوانین تبعیض آمیزی را از تصویب گذرانده‌اند. در سال ۱۹۵۶، مذهب بودا، به عنوان مذهب رسمی کشور و زبان سنگالی به مثابه زبان رسمی شناخته شد و این امر سبب شدن راه تامیل‌ها برای در اختیار گرفتن مقامات دولتی گشته است. به مرور زمان یورشها علیه بخش تامیلی مردم، توسط بخش سنگالی بیشتر، حادث و خونین‌تر شد. سرکوب دولتی نیز موجب تشدید درگیریها و خشونت‌های قومی شد.

در بخش ضمیمه این موافقت نامه قید شده است که دولت "کلمبو" مقید می‌شود تا بندرتری - کرمانی را برای مقاصد، که علیه منافع هند باشد در اختیار کشور ثالث قرار ندهد. این بند از موافقت نامه با انتقاد و اعتراض شدید "واشنگتن" روبرو شده است، چرا که آمریکا در نظر داشت این بند را به پایگاه نظامی خود مبدل سازد.



به برنامه‌های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرادهید!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی‌بند و آزاد توده‌های رنجبر میهن ماست. به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیو زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NAMEH
MARDOM
NO: 167

آدرس پستی:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

11 August 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است